

بحث شود. ناگفته نماند دیوان کیفری که حوزه صلاحیت آن تمام کشور ایران است هر گاه درست دقت شود و تعداد باز پرسان و دادیاران و کلیه اعضاء قضائی و اداری او در نظر گرفته شود تصور نیروی آن ۹۰ نفر تجاوز نماید و هر گاه حقوق این عده کم را که نسبت بانجام خدمتشان حقوق فوق العاده ناچیز میگیرند بحساب در آوریم خواهیم دید در وضع بودجه کشور تأثیر بسزائی ندارد از طرف دیگر نگارنده را عقیده بر آنست باید در مقابل دیوان کیفر دیوان دیگری بنام دیوان پاداش تشکیل شود که پرونده های مأمورین صالح و فداکار که اکثریت کارمندان دولتی را تشکیل میدهند در آنجا مطرح و به تناسب شغل و وظایف آنها تشویق و تقدیر از آنها بعمل آید. در خاتمه با احتراز از اطاله کلام عجلتاً باین مختصر اکتفاء شد و گرنه گفتار در پیرامون این موضوع زیاد است.



محمود سرشار

## مرور زمان = قسمت اول

مرور زمان عبارت از تملك عين و یا إسقاط حق است تحت شرایط خاصی در مدت معین. مرور زمان از نظر قانون مدنی و اصول محاکمات حقوقی وسیله ساده ایست برای تحکیم مالکیت و یا نوعی از ایرادات برای رد دعوی بوده و آنرا نمیتوان تملك عين و یا برائت ذمه دانست بلکه وسیله مخصوصی برای مالک شدن عين مال متعلق بغير و یا ببری شدن از مافی الذمه در نتیجه سکوت میباشد زیرا وضع ید بر مالی اول مرحله قیام به اجراء حق است صرف نظر از آنکه در واقع و نفس الامر حق موجود و یا در عدم بوده باشد.

مرور زمان یکی از مبتکرات و مخترعات قانون مدنی برخلاف عدالت

بوده و باید دید که آیا پایه و اساس این اصل روی قانون مدنی و یا آنکه روی انصاف و یا حقوق فطری و طبیعی استوار شده است .

گایوس (Gaius) فقیه رومی میگوید که مرور زمان یکی از مخترعات حقوق مدنی بوده و گوژاس (Cujas) و فرریر فرانسوی (Ferriere) و گروسیوس هلندی (Grotius) هم از پیروان این عقیده میباشند ولی برعکس پوفند ورف آلمانی (Pufendorf) معتقد است که در عداد حقوق طبیعی بشمار میروند و مرلن (Merlin) و دونود (Dunod) هم که از علماء حقوق فرانسه میباشند همین اصل را نیز پیروی مینمایند .

مرور زمان از لحاظ عقل و زور حقوق فطری و طبیعی بوده و از نظر قوانین و شرایطی که طرق آنرا معین میکند یکی از ارکان حقوق مدنی محسوب میشود .

مرور زمان تعهدات مدنی را از بین برده و تعهد طبیعی قائم مقام آن میشود و نیز مالکیت را تثبیت نموده و املاک را از حال تزلزل خارج میکند زیرا برای اثبات مالکیت نه فقط مدعی مالکیت باید در مقام اثبات آن برآید که مال بعنوان بیع یا ارث و یا هبه با و منتقل شده بلکه باید صحت مالکیت ید سابق خود را بشبوت رسانیده و بهمین ترتیب هم مجبور است صحت ایادی سابقه را یک ثابت کند و اگر بین ایادی سابقه ید غاصبی پیدا شد مالکیت تمام ایادی هم همین حال را خواهد داشت و فقط مرور زمان کلیه این مشکلات را مرتفع نموده و کافی است که مدعی مالکیت در مقام اثبات تصرفات خود در مدت معینه قانونی برآید .

مرور زمان برای مدعی و مدعی علیه و دولت و افراد هیئت اجتماع فواید بیشماری در بر خواهد داشت .

فایده آن برای مدعی این است که اثبات حقی بعد از طول مدت خالی از اشکال نبوده و در نتیجه تهاون و سستی حق خود را از دست داده و از لحاظ اینکه در مدت معینه قانونی در مقام مطالبه حق خود بر نیامده و از آن حق اعراض نموده است مرور زمان برای تکامل و اهمال او بمنزله مجازات میباشد زیرا نفع ذیحقی را ب نفع من علیه الحق مرور زمان ساقط نموده

و مالکیت مالک حقیقی بنفع غاصبی سلب میگردد لذا این مجازات مدعی را در آتیه در اثر این خسران اصلاح نموده که در تعقیب و مطالبه حق خود مسامحه و غفلت ننماید .

فوائد آن برای مدعی علیه این است که از لحاظ از دست دادن دلائل اثباتیه خود و از بین رفتن اسناد در زحمت بوده و مرور زمان باشخصی که سند مالکیت نداشته و یا آنرا گم کرده اند نیز کمک نموده و مردم را از قید حفظ سند مالکیت خود و ایادی سابقه بر خود آزاد مینماید و مدیون هم مجبور است در نتیجه نبودن مرور زمان سند براءت خود را سالهای متمادی هم خود و هم وراث او نگاه دارند و نیز سکوت مدعی در مطالبه نکردن حق خود موجب شده که مدتی از آن گذشته و بواسطه بعد زمان مدعی علیه شهود خود را از دست داده و یا آنکه از عهده حفظ اسناد خود بر نیامده است و لازم نیست که همیشه فعلی از شخصی صادر شود که سبب ضرر و خسارت دیگری شود گاهی هم ترك فعل و با عدم صدور فعل تا يك موعده معینی همین حال را خواهد داشت و این عمل منطبق میشود با این اصل که افراط علنی در يك حقی حمایت نمیشود مگر بواسطه قانون .

نفع دولت در وضع قانون مرور زمان این است که اگر عده دعاوی محدود نشود هر سندی را میتوان عنوان و مدرک مرافعه قرار داد و لو اینکه قرنها از موقع احقاق حق چنین امری گذشته باشد و همین مطلب سبب انضجار مردم از دادگستری میشود و در نتیجه مرور زمان کلیه مرافعات و دعاوی محدود گردیده و از عده قضات نیز کاسته شده و خرج دولت هم بهمان نسبت کسر خواهد شد .

کثرت دعاوی مورث اختلافات و مخاصمات و کینه و کدورتی در هیئت اجتماع شده و همیشه تزلزل فکری و تزلزل خاطر را از لحاظ تزلزل حقوق ایجاد خواهد کرد و منافع هیئت اجتماع برای رفع اینگونه مشکلات وضع چنین قانونی را ایجاد مینماید .

مرور زمان اگر سبب تملك باشد یعنی يك نفر در نتیجه متصرف بودن در مدت معینی عین متعلق بغیر را مالک شود مرور زمان مملك بوده و اگر سبب

برائت محسوب شود و بواسطه آن از لحاظ سکوت در مدت معینی حق دائن ساقط گردد مرور زمان مسقط خواهد بود .

برای حصول مرور زمان وجود سه شرط لازم است .

۱ - تصرف

۲ - سکوت صاحب حق - .

۳ - مرور مدت معینه قانونی .

وجه اشتراك مرور زمان مملك يا مرور زمان مسقط سکوت و مرور مدت معین میباشد ولی وجه افتراق آنها با یکدیگر آن است که شرط اصلی مرور زمان مملك که باعیان اعم از منقول و غیر منقول تعلق میگیرد تصرف میباشد ولی در مرور زمان مسقط که بدون و حقوق متوجه میشود تصرف موضوعی نداشته زیرا وجود خارجی قابل تلمس نیست و نمیتوان گفت که مدیون متصرف دین است و فرق دیگر آن اینست که در مرور زمان مملك متصرف در صورت مزاحمت و جلوگیری از تصرف متوسل باقامه دعوی شده ولی در مورد مرور زمان مسقط باب هرگونه دعوائی مسدود خواهد شد .  
برای اینکه مرور زمان تحقق پیدا کند باید متضمن شرایط پنجگانه بوده باشد .

۱ - تصرفات آرام یعنی مبنی بر سبب صحیح بوده بدون اینکه فشار و قوه قهریه دخالت داشته و یا آنکه در اثر استیلاء برحق غیر بنحو عدوان بوده باشد .

۲ - تصرفات طوری روشن باشد که در بسادی امر برای هیچکس ارتباب و تردیدی حاصل نشود .

۳ - تصرفات مستمر بوده و فواصلی بین آن موجود نباشد .

۴ - تصرفات علنی بوده و در پرده خفا و استتار نباشد .

۵ - متصرف باید بعنوان مالکیت تصرفاتی داشته و اعمال ناشیبه از او هم شایسته یکنفر مالک حقیقی بوده باشد در فرانسه مرور زمان راپرسکر پسیون (prescription) که معنی لغوی آن سر لوحه است میگویند و برای مالکیت عین مالکیت فی الذمه وضع گردیده و بالنتیجه در حقوق آن کشور

دو قسم مرور زمان قائل شده‌اند. مرور زمان مملک و مرور زمان مسقط که ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه که ذیلا عین آن درج میشود کاملا معرف این معنی میباشد.

La prescription est un moyen d'acquérir ou de se libérer par un certain laps de temps et sous les conditions déterminées par la loi

ماخذ مرور زمان حقوق فرانسه حقوق روم بوده و این اصل از قوانین سولون (solon) مقنن یونانی و قوانین الواح اثنی عشر بوده که بوسیله دسمویر (Décevirs) که ده نفر از قضات برجسته آن کشور بودند و ماموریت مخصوصی در جمع آوری قوانین داشتند اقتباس شده است و مرور زمان هم در آن دوره فقط بکلمه اوزو کاپیون (Usucapion) که تصرفات متمادی است اطلاق میشود.

اوزو کاپیون طبقه تحصیل و بدست آوردن مالکیتی است که مبتنی بر تصرفات متمادیه در مدت معین بوده باشد اوزو کاپیون رادموستن (Démosthène) در اولین مرتبه بکار برده و در محاکمه فورمیون (phormion) این ایراد را نمود. اوزو کاپیون با تصرفات متمادیه فقط مورد استفاده رومیها بوده و آنرا در مورد رس مانسی پی (Res mancipi) که داشتن حق کامل نسبت بمالکیت اموال است اجراء مینمودند و موقعی این نوع مالکیت از قبل مالک اصلی خواه در نتیجه فرض و خواه بواسطه انتقال در مقابل شهود و یا در سایه طرق دیگر انتقال که قانون تجویز نموده است معتبر شناخته میشد که لااقل مشتری یک سال در اموال منقوله و دو سال در اموال غیر منقوله متصرف بوده باشد و این تصرف مال را از طریق استعمال اوزو (Usu) میگفتند این مقررات از قوانین الواح اثنی عشر اتخاذ شده و طریق تملک را از طریق استعمال و تصرف اوزو کاپیون که تصرفات متمادیه است مینامیدند. امپراطور های قبل از ژوستینین (Justinien) این رویه را تجویز نموده و فرق بین اوزو کاپیون و مرور زمان هم در آن موقع این بود که اولی بمالکیت حقوق مدنی و دومی بمالکیت فطری و طبیعی اطلاق میشد ولی

ژوستینین کلیه این مشخصات و اختلافات را رد نموده و تمام اثرات اوزوکایون که تصرفات متمادی باشد بمرور زمان انتقال یافت و در مورد ابراد دعوی استعمال میشد یعنی سه سال در مورد اموال منقوله و ده سال در مورد اموال غیر منقوله اشخاص غائب مدت تصرف در نظر گرفته شده و اوزوکایون با مرور زمان داخل شده و هر دو دارای معنی و موضوع واحدی شدند .

در دوره سلطنت تئودوز کبیر

( Théodose Ie Grand ) در ۱۴۲۴ کلیه اموال غیر منقول و دعاوی

عینی و شخصی و مختلط با شرایط معینه مشمول مرور زمان گردیده و در دوره امپراطوری هم مرور زمان صد ساله را برای اموال کلیسیا قائل شدند .

در اراضی گول ( Gaule ) که از طرف بربرها فتح شده بود

مرور زمان کاملاً مجرا بوده و سلاطین فرانسه در نتیجه فرامین بمغلوبین اجازه

داده که خود را در مقابل تمام شکایات و دعاوی از طریق مرور زمان ۳۰ ساله

دفاع نمایند در ایالات فرانسه هم پس از فتح حقوق روم معمول و متداول بوده

و مرور زمان بهمان حالت دوره ژوستینین باقی و برقرار بود و کم کم جزء

عادات شده و با جزئی تغییرات در هر ایالتی داخل شد .

حقوق مذهبی برای تثبیت اموال کلیسیا و افراد قائل بمرور زمان گردیده

مشروط بر اینکه این مالکیت و تصرف با حسن نیت تلقی شود .

رومی ها غیر از مرور زمان مملک مرور زمان دیگری را نشناخته

ولی بعد ها مرور زمان مسقط جای آنرا گرفته و در دوره تئودوز کبیر رسماً

اعلام شد که کلیه دعاوی جاریه شامل مرور زمان ۳۰ ساله خواهد بود و در

بعضی از دعاوی مخصوصاً دعاوی که رهینه غیر منقول داشتند و دعاوی کلیسیا

مرور زمان آن ۴۰ سال بود و ژوستینین مرور زمان مملک را بامرور زمان

مسقط ترکیب نمود .

مطابق فورمول پرتورها ( حکام رومی ) در موردی که ثابت میشد مال

متنازع فیه متعلق بغير است قاضی ملزم بود متصرف را محکوم به خلع بد

نماید ولی مدعی علیه موقعی میتواند از این محکومیت و انتزاع بد خلاصی

یابد که تصرفات متمادیه خود را در مدت معینی ثابت نماید و برای اینکه

افراد در پناه هر نوع حملاتی بوده باشند روش قضائی پرتور ها حدی برای فرمول قائل شده و آن حد اینست .

Nisi de ea re agatur cujus longa possessio ist .

ولی کلمه (prescriptio) پرسکریپسیو در سرلوحه فرمول قرار گرفت و این لفظ از دو کلمه ترکیب شده بر (prae) یعنی جلو و اسکریره (scribere) نوشته معنی میدهد که مفهوم آن سر لوحه است میباشد و این جمله حمایت کننده از هر حیث و هر جهت حقوق مدعی علیه را در مقابل مدعی تضمین و صیانت مینمود .

باری چون این فرمول متصرفین را از هر نوع تعرضی حمایت کرده و حافظ تصرفات متادیه میباشد در سر لوحه فرمول نوشته شده و از آنوقت تا بحال همین کلمه را که امروز بصورت پرسکریپسیون (prescription) در آمده است برای مرور زمان قائل شده اند .

هدی ملکی

## حقوق زن مسلمان در ایران

( قسمت اول )

چون در این اواخر بر اثر توجیهیکه زنان بامرفهنگی مبذول داشته اند و در نتیجه تحصیلاتی که عده از ایشان در دانشگاه های داخلی و خارجی نموده اند و بمناسبت تبعیتی که قهر اوخواه و ناخواه از نهضتهای ترقیخواهانه بانوان دنیا شده است . چه در محافل عمومی و چه در مجلات و کتبی که ندرتاً انتشار یافته است شنیده و دیده میشود که باز بتبعیت از اطلاعات ناقص که بانوان اروپائی و امریکائی از قوانین اسلام و ایران دارند و زنانرا در مذهب اسلام بمنزله اسیران دست مرد دانسته معتقدند که حقوقی برای ایشان در قوانین